



حقوق اخوان-قسمت پنجم: میزان تشخیص برادران مکاره

از شبهاتی که در بحث اخوان مکاره رضاعی مطرح می باشد، این است که از کجا بفهمیم شخصی برادر اصلی ماست یا رضاعی و چه میزانی است که بر اساس آن با وی معامله اخوان مکاره کنیم یا اخوان ثقه.

در این باره ادعای شخص ملاک نیست چرا که راست و دروغ این دنیا مخلوط بهم است، همچنین بر پیشانی شخص هم در نظر ما چیزی ننوشته، لذا مرحوم کرمانی اعلی الله مقامه تنها میزان را قلب ما میدانند چنانکه در عربی میگویند القلوب شواهد و القلب یهدی الی القلب و در این خصوص شواهد بسیاری از کلام معصومین علیهم السلام وارد شده و ادله ای حکمی وجود دارد.

ابوحمزه ثمالی اعلی الله مقامه از امام باقر علیه السلام روایت میکند: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ أَعْلَى عَلَیِّینَ وَ خَلَقَ قُلُوبَ شِيعَتِنَا مِمَّا خَلَقْنَا وَ خَلَقَ أَبْدَانَهُمْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَقُلُوبُهُمْ تَهْوِي إِلَيْنَا لِأَنَّهَا خُلِقَتْ مِمَّا خَلَقْنَا ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ - كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَیِّینَ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا عَلَیُّونَ. كِتَابٌ مَرْقُومٌ. يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ وَ خَلَقَ عِدْوَنَا مِنْ سَجِینَ وَ خَلَقَ قُلُوبَ شِيعَتِهِمْ مِمَّا خَلَقَهُمْ مِنْهُ وَ أَبْدَانَهُمْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَقُلُوبُهُمْ تَهْوِي إِلَيْهِمْ لِأَنَّهَا خُلِقَتْ مِمَّا خَلَقُوا مِنْهُ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ - كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سَجِینَ. وَ مَا أَدْرَاكَ مَا سَجِینَ. كِتَابٌ مَرْقُومٌ.

یعنی: امام باقر علیه السلام فرمود خدا ما را از اعلیٰ علیین خلق کرد و خلق کرد دل‌های شیعیان ما را از آنچه ما را از آن خلق کرده و بدن‌های ایشان را خلق کرد از پست‌تر از آن و دل‌هاشان بما میل دارد چرا که خلق شدند از آنچه ما از آن خلق شدیم پس خوانند **كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيٍّ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ. كِتَابٌ مَرْقُومٌ. يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ** و خلق کرد عدو ما را از سجين و خلق کرد قلوب شیعه ایشان را از آنچه آنها را از آن خلق کرد و بدن‌هاشان از دون آن پس دل‌هاشان میل میکند بسوي ایشان چرا که آنها خلق شده‌اند از آنچه آنها خلق شدند پس خوانند **كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سَجِينٍ. وَ مَا أَدْرَاكَ مَا سَجِينٌ. كِتَابٌ مَرْقُومٌ.**

از حدیث شریف و آیات مذکور درمیابیم که خداوند مؤمنین را از طینت واحدی خلق نموده و آن طینت محمد و آل محمد علیهم السلام است و همچنین دشمنان ایشان را از طینت واحدی خلق کرده و آن طینت سجين است.

و مبرهن است که هر دو چیز متجانس از هم تنافر ذاتی نداشته و بیش از هر چیز با یک دیگر الفت میگیرند و ممزوج میشوند، مانند دو پاره آتش که هر دو از یک حیزند، با کنار هم قرار گرفتن ممزوج شده و سبب تقویت یکدیگر میشوند، اما آتش و آب پیوسته در صدد دفع و نابودی یک دیگر بر می آیند.

بنابراین، هیچگاه محبت قلبی میان پاره ای از علیین با پاره این از سجين برقرار نمیشود و از هم تنافر ذاتی دارند، و بالعکس دو پاره از علیین یا سجين، هر چه قدر هم اعراض گرفته باشند قلباً نسبت به هم محبت داشته و میل به قرابت میکنند، چنانکه روایت شده: **سَمِعْتُ رَجُلًا يَسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يَقُولُ إِنِّي أَوْدُكَ فَكَيْفَ أَعْلَمُ أَنَّهُ يَوْدُنِي قَالَ امْتَحِنْ قَلْبَكَ فَإِنْ كُنْتَ تَوْدُهُ فَإِنَّهُ يَوْدُكَ** . یعنی: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که شخصی میگوید من تو را دوست میدارم چگونه بدانم که او مرا دوست میدارد فرمود امتحان کن قلب خود را اگر تو او را دوست میداری او هم ترا دوست میدارد.

اما پیش از آنکه بخواهیم قلب خود را برای شناخت دیگران میزان قرار دهیم، ابتدا باید از سلامت قلب خود اطمینان حاصل کرده و آن را بدوستی آل محمد علیهم السلام محک بزنیم.

یعنی اگر بجهت غرضی ادعای دوستی داریم، مانند کسی که منفعت دنیایی از ایشان میبرد یا کسانی که از آباء و اجداد خود دم از اهل بیت میزند اما ابایی هم از بی احترامی نسبت به ایشان یا قسم دروغ خوردن به ایشان یا انکار فضایل ایشان و امثال این امور ندارد، و یا اینکه از وسائط و شیعیان ماحض الایمان ایشان تنافر دارد و یا نسبت به اعداء ایشان محبتی قلبی دارد، در این صورت مشخص است که از طینت ایشان نیست، چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام میفرماید **مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّ مُحِبًّا هُوَ لَنَا أَمْ مُبْغِضٌ فَلْيَمْتَحِنْ قَلْبَهُ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ وَلِيًّا لَنَا فَلَيْسَ بِمُبْغِضٍ لَنَا وَ إِنْ كَانَ يُبْغِضُ وَلِيَّنَا فَلَيْسَ بِمُحِبٍّ لَنَا** یعنی هر کس میخواهد بداند که دوست ماست یا دشمن ما دل خود را آزمایش کند اگر دوست میدارد دوستی از ما را دشمن ما نیست و اگر دشمن میدارد دوستی از ما را او دوست ما نیست.

اما اگر آل محمد علیهم السلام و اولیاء ایشان را بدون سبب ظاهری دوست داریم و از ادعای ایشان تنافر قلبی داریم، یعنی از طینت علیین و اهل بیت علیهم السلام هستیم و در این صورت است که این قلب میتواند میزانی برای شناخت سایر برادران باشد، چرا که به هم جنس و هم طینت خود میل میکند و با طینت مخالف دشمنی دارد.

مرحوم کرمانی اعلی الله مقامه پیرامون محک زدن قلب میفرمایند:

حذر کن که قبل از آنکه خود را بمیزان اولیا و شرع سنجیده باشی ظن بد بمسلمانان و مؤمنان بری که شاید تو مریضی و آبها گوارا و در دهان تو ترش می آید مثل آن مرشد صوفی سنی که دو نفر از مریدان شبیه کردند در دین تسنن و احتمال حقیقت در دین شیعه دادند چون بنزد مرشد رفتند گفت چه کرده اید که صورت شما را مانند صورت خنزیر می بینم اینها در قلب خود توبه کردند از شبیه و یقین کردند که تسنن خوب است گفت هاه توبه کردید و صورت شما صورت انسانی شد ، حال خود آن مرشد مریض بود و دهانش آب شیرین را ترش میدانست چون میل بشیعه کردند نزد او در ذهن او منگر شدند و چون باز سنی شدند مساوی طعم دهان او شدند و دیگر خلافتی ندید و اعتدال گمان کرد حال حذر کن که مانند او نباشی اول قلب خود را معتدل کن و خالص نما در ولایت و تمیز ده دوستی از غرض را از بی غرض که بسیار مشکل است و بزودی مشتبّه میشود آنگاه اگر حکمی کند بپذیر و اگر معتدل نیستی یقین بد بخود کن و ظن بد بغیر مبر .

به هر حال پس از آنکه قلب خود را محک زدیم و به سلامت آن اطمینان حاصل کردیم، پس آن را میزان قرار داده و با سه حالت روبرو میشویم:

- 1- بالذات شخصی را بدون در نظر گرفتن خصالش دوست نداریم اما صفات و خصال او را میپسندیم.
مانند اینکه شخصی را صرفاً بخاطر علم یا اخلاقش دوست داشته باشیم، در این صورت شخص مورد نظر از اخوان مکاشره رضاعی است. یعنی جسدش از جنس ماست و اصلش متفاوت است، اما بخاطر همین که صفات او از نور مولای ماست، عداوت با صفات آن شخص موجب هلاکت است و باید حق حرمت آن صفات را ادا کنیم.
- 2- بالذات شخصی را بدون در نظر گرفتن خصالش دوست داریم اما صفات و خصال او را نمیپسندیم.
مانند آنکه برادری را دوست داریم و خواهان ارتباط و نزدیکی با او هستیم اما بخاطر اعمال و اخلاق بد او از وی دوری میکنیم.
در این صورت شخص مورد نظر از اخوان مکاشره اصلی است. یعنی در اصل از یک پدر و مادریم اما جسدش از ما نیست و گوشت و پوستش از شیر کفر و نفاق روییده است.
- 3- هم بالذات شخص را دوست داریم هم صفات و خصال و اعمال او را. در این صورت فرد مورد نظر از اخوان ثقه ماست و جسد و روح او از جنس ماست.
نمود بیشتر این مورد هنگامی است که با فردی از برادران روبرو شویم که اصل و اعمال او را دوست داریم اما از حیث طبع سازشی نداشته یا اینکه نزاعی دنیایی فی ما بین رخ داده است، در این صورت دشمنی یا عدم ادای حقوق اخوان برای چنین برادری موجب تباهی ایمانمان خواهد شد.